

دانشگاه فرهنگیان
فصل نامه علمی-ترویجی آموزش پژوهی
سال چهارم، شماره سیزدهم، بهار 1397

آسیب شناسی درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش آموزان ابتدایی شهرستان مسجد سلیمان

خسرو نظری¹، اسد حجازی²، محمدحسین محبی³، فرشته صناعی⁴، مهدی قاسمی⁵

پذیرش: 97/9/4

دریافت: 97/7/5

چکیده

پژوهش حاضر با هدف آسیب شناسی درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش آموزان انجام شد. روش پژوهش، توصیفی-پیمایشی و جامعه آماری شامل تمامی معلمان و دانش آموزان ابتدایی شهر مسجد سلیمان در سال تحصیلی 96-97 بود که به روش نمونه گیری تصادفی چندمرحله ای تعداد 363 دانش آموز و 246 معلم انتخاب گردید. نتایج تحلیل های آماری با استفاده از آزمون تی تک نمونه، متغیر دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده، در هر دو گروه معلمان و دانش آموزان را مطلوب گزارش داد. در مطلوبیت سه متغیر راهبردهای یاددهی، فضا و زمان درس هنر در هر دو گروه معلمان و دانش آموزان عدم مطلوبیت گزارش شد. متغیرهای گروه بندی و ارزشیابی از دیدگاه معلمان مطلوب در حالی که از دیدگاه دانش آموزان نامطلوب گزارش گردید. در سه متغیر فعالیت های یادگیری، مواد و منابع آموزشی و محتوای درس هنر، از دید معلمان عدم مطلوبیت و از نظر دانش آموزان نزدیک به میانگین و متوسط و مطلوب گزارش شد.

کلیدواژه ها: آسیب شناسی درس هنر، راهبردهای یاددهی-یادگیری، اهداف از پیش تعیین شده، فعالیت های یادگیری.

1. استادیار دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، نویسنده مسؤل، nazarikey@gmail.com

2. استادیار دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

3. استادیار دانشگاه آزاد واحد مسجد سلیمان، ایران

4. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق، تهران، ایران.

5. کارشناس ارشد علوم تربیتی، ایران.

مبانی نظری پژوهش

انسان با تکیه بر ذوق فطری خویش و با دیدگاه زیباشناختی توانسته است احساسات و افکار خود را ابراز دارد (منافی، منصف، یوسف نیا و یاری، 1394) و ذوق، ابتکار، آفرینندگی، بیداری فرهنگی و نگرش دوباره به خویش را گسترش دهد (هوشدار، گرام و تقوایی، 1394). هنر در اشکال مختلف آن فرد را در فرایند تفکری ادراکی، تخیلی، سازندگی، بیانی، اطلاعاتی و ارتباطی درگیر می‌کند و به صورت تعاملی بر غنای تجربه او می‌افزاید؛ زیرا پدیده‌های پیچیده و چندوجهی و منبعی از انواع گوناگون تجربه در محیط خانه، اجتماع و محیط مدرسه است (شرفی، 1386). کودکانی که از آموزش هنر محرومند در واقع روش‌های خارق‌العاده را برای درک خود و جهان پیرامونشان از دست می‌دهند. دانش‌آموزان از طریق فعالیت‌های هنری، تخیل، حل مشکلات، تفکر مستقل و تصمیم‌گیری را تجربه می‌کنند. با در نظر گرفتن این دلایل، هنر باید نقشی اساسی در برنامه‌های درسی یک نظام آموزشی داشته باشد (حاجی حسینی، 1388). همچنین آموزش فرهنگی، اجتماعی و درسی کودکان می‌تواند با بهره‌گیری از هنر به گونه‌ای سهل‌تر و گیراتر انجام پذیرد؛ چرا که از عمده‌ترین ویژگی‌های روش هنری آن است که به عنوان روشی غیرمستقیم در آموزش و پرورش، بهره‌مندی مخاطبان را از آزادی، تفریح و تنوع عوامل عاطفی و ظرافت‌های فکری و روانی میسر می‌سازد (براتی و سلیمان پورعمران، 1394).

از این رو، لازم است تهیه و تولید آثار و پرداختن به فعالیت‌های هنری، خصوصاً برای کودکان و نوجوانان، با دقت نظر و با هدایت صاحب‌نظران، مریمان والدین توأم باشد. رویکرد یا همان جهت‌گیری کلی برنامه درسی ملی در درس هنر، شکوفایی، تقویت و توسعه فطرت الهی نظیر خداپرستی، زیبایی دوستی و خلاقیت است. این رویکرد با نگاهی جامع به انسان، زمینه‌ساز رشد متعادل او در چهار عرصه ارتباط با خدا، خود، مردم و خلقت است (شرفی، 1385). لذا نقش و جایگاه هنر به‌طور فزاینده‌ای در زندگی در حال بازشناسی است، در حالی که انواع هنر موضوعاتی جانبی و حاشیه‌ای در مدارس تلقی می‌شوند (زمانی دارانی، 1395) و یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهد که به هنر نباید به دید یک درس جداگانه نگریست، بلکه باید آن را اصلی‌ترین شیوه مؤثر در تربیت و آموزش دانست (براتی و سلیمان پورعمران، 1394). از طرف دیگر کتاب‌های درسی به عنوان اصلی‌ترین منبع تغذیه علمی نظام آموزش و پرورش، نیازمند استاندارد شدن هستند، در حالی که نسبت به کتاب‌های آموزش هنر دوره ابتدایی اجحاف شده است (سنجایی و خرم‌آبادی، 1394: 74؛ شرفی، 1387: 55).

وضعیت محتوای کتاب هنر و چگونگی تدریس آن دغدغه بسیاری از معلمان هنر کشور است و آنها معتقدند که به کتاب هنر دوره ابتدایی توجه نشده و انتظار به حقی است که وزارت آموزش و پرورش با برنامه‌ریزی و تجدید نظر در تألیف جدید کتب هنر، نیاز دانش‌آموزان و معلمان هنر را برآورده سازد (رضاییان و رضایی، 1396: 91؛ زمانی دارانی، 1395؛ قنبری، رحیمی شهواری و چمئل‌نژاد، 1395). تدوین کتب درسی و تغییر و تحول محتوای آنها و ارائه به دانش‌آموزان، باید متناسب با نیازهای روز جامعه دانش‌آموزی باشد و کتب جدید التألیف باید بر اساس این نیازها تغییر یابند. پژوهش یاسمی، خمیس آبادی و کیان (1393) نشان داد که اهداف برنامه درسی هنر دوره ابتدایی با اهداف کلی سند برنامه درسی همخوانی دارد ولی در مدارس و مراکز آموزشی کشور و در برنامه‌های درسی، هنر از جایگاه مناسبی برخوردار نیست. همچنین عباسی، طباطبایی و مرتهب (1394) بیان کردند که عدم آشنایی معلمان با روش‌های مناسب تدریس در درس هنر و فقدان امکانات مناسب، عدم آگاهی مدیران مدارس از نقش هنر، بی‌توجهی برنامه‌ریزان درسی و مسؤولین، موانع اجرای صحیح درس هنر هستند. در بررسی دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده درس هنر، پژوهش رحیمی و احمدیان (1396) نشان داد که میزان تحقق اهداف برنامه درسی هنر از نظر معلمان دوره ابتدایی در سه حیطه دانش، نگرش و مهارت در شرایط مطلوبی نیست. سنجابی و خرم‌آبادی (1394) نیز مهم‌ترین عوامل بی‌توجهی معلمان به درس هنر در دوره ابتدایی را عدم شناخت اهداف درس هنر در این دوره و نداشتن آگاهی و علاقه لازم جهت تدریس درس از سوی معلمان می‌دانند. تحقیق رضاییان کوچی و رضایی (1396) در زمینه منابع و مواد یادگیری نیز نشان داد که در هیچ یک از کتاب‌های راهنمای معلم و ضمیمه‌ها در درس هنر، تعادل مناسبی در توزیع فعالیت‌ها برای سبک‌های مختلف یادگیری وجود ندارد، گرایش‌های فرهنگی در تمام فصل‌های کتاب گنجانده نشده و باید در تألیف کتب جدید در این موارد تمهیداتی اندیشیده شود که این موضوع در پژوهش افخمی قادی و عارفی، (1396) با تأکید بر کتاب هنر پایه چهارم بیان شده است.

امروزه حتی با توجه به آموزش نوین، کتب درسی سال‌های گذشته پاسخ‌گوی نیازهای امروز نیست و باعث گریز دانش‌آموزان و حتی معلمان می‌شوند و لذا بازنگری و آسیب‌شناسی امری ضروری است (عباسی، طباطبایی و مرتهب، 1394: 121). علاوه بر این، پژوهش زمانی دارانی (1395) نشان داد که در تدریس درس هنر مسائلی نظیر عدم وجود تخصص و مهارت لازم در آموزش هنر، واگذاری تدریس هنر به دبیران غیرتخصصی، محتوای نامناسب کتاب درسی، کم‌اهمیت شمردن درس هنر و اختصاص ساعت کلاس به دروس دیگر، کمبود وقت در تدریس و تمرین، کمبود بودجه، ناآگاهی والدین از

اهمیت درس هنر و نیز سردرگمی دانش‌آموزان در شناخت حوزه موردعلاقه خود از مهم‌ترین مشکلات درس هنر است. ذوالفقاریان و کیان (1393) نیز نشان دادند که معلمان در تدریس برنامه درسی هنر نتوانسته‌اند از پتانسیل محتوایی این درس برای آموزش بهره‌مند شوند و بی‌اهمیت بودن برنامه درسی هنر بین سایر دروس در تدریس عملی معلمان تأثیرگذار است. لذا ارائه آموزش‌های ضمن خدمت تخصصی در درس هنر ویژه معلمان، ایجاد بستر مناسب برای تبادل تجارب بین معلمان و بالا بردن سطح آگاهی والدین نسبت به اهمیت درس هنر را توصیه کرده‌اند.

رستگاری و ناطقی (1394) بیان کردند از آنجایی که برنامه‌های تربیت‌معلم، معلمان را برای انتقاد از تعلیم و تربیت آموزش نداده‌اند، پس معلمان به دیدگاه‌های کهنه و قدیمی آموزش پایبند بوده و اعتماد به نفس مورد نیاز برای تجربه روش‌های جدید و ناآشنا را ندارند. لذا جهت ارتقاء کیفیت آموزش بایستی ابتدا به بازمینی در برنامه‌های آموزشی دانشجو معلمان در مراکز تربیت‌معلم پرداخت و با یک برنامه درسی ترکیب‌شده با هنر و تدریس میان‌رشته‌ای، زمینه عمیق‌تر شدن تجارب یادگیری معلمان و همچنین دانش‌آموزان را فراهم نمود. همچنین استفاده از درس هنر در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان در مدارس کشور ما کارنامه خوبی ندارد (عباسی؛ طباطبایی و مرتهب، 1394). تحقیق دونینگ¹ (2015) نیز نشان داد که توجه ملی به موضوعات درسی اصلی موجب شده موضوعات خارج از برنامه درسی هسته‌ای، نادیده گرفته شوند و زمان‌بندی قاطع برای دروسی مانند خواندن و ریاضیات، زمان کمتری را برای آموزش هنر باقی گذارد.

لذا کم‌توجهی به کتاب آموزش هنر در دوره ابتدایی تحصیلی کشور ما یک مسأله ریشه‌دار است و این درس را نسبت به دروس دیگر به حاشیه رانده است. درس هنر از جمله درس‌هایی است که مورد بی‌مهری نظام آموزشی قرار دارد و به‌رغم تبلیغات تغییر کتب درسی، در این ماده درسی تغییری قابل ملاحظه شکل نگرفته و دروس آموزشی با دارا بودن مشکلات متعدد هر ساله به دانش‌آموزان ارائه می‌شود (عباسی و دیگران، 1394: 80). کم بودن زمان تدریس هنر هم برای دانش‌آموز و هم معلم، کهنگی مفاهیم کتاب‌های هنر که توأم با مشکلات متعددی است و هر ساله تجدید چاپ می‌شود از جمله مشکلات اساسی است که در درس هنر وجود دارد. کهنه بودن مطالب هنری، جذابیت نداشتن مطالب برای دانش‌آموز، عدم برخورداری از امکانات نمایشگاهی آثار هنری در مدارس، عدم توجه مسؤولان

1. Downing

برای تشویق دبیران هنر به خاطر کم‌اهمیت جلوه نمودن این درس، استفاده از دبیران غیرتخصصی در اکثر آموزشگاه‌ها، وجود مشکلات چاپی فاحش در کتاب و عدم ترتیب منطقی مباحث کتاب‌ها از موارد دیگری است که کار کردن با این کتاب را برای معلمان هنر با توجه به پیشرفت آموزش‌های غیررسمی مشکل کرده است. بنابراین با توجه به توضیحات داده‌شده، بررسی آسیب‌شناسی درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی ضرورتی حیاتی است که هم می‌تواند بخشی از آسیب‌های موجود را از منظر معلمان بازنمایی کند و هم دانش‌آموزان را که محور یادگیری نظام تعلیم و تربیت هستند به واکنش درباره آسیب‌ها و مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد، تشویق و ترغیب کند و از زاویه دید آنها این موضوع مهم مورد بررسی قرار گیرد. لذا پژوهش حاضر به دنبال بررسی این هدف اصلی است که آسیب‌شناسی درس هنر را از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان مورد بررسی قرار دهد.

سؤالات تحقیق

1. آیا اهداف از پیش تعیین‌شده درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان مطلوبیت دارد؟
2. آیا محتوای درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان مطلوبیت دارد؟
3. آیا راهبردهای یاددهی - یادگیری درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان مطلوبیت دارد؟
4. آیا گروه‌بندی درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان مطلوبیت دارد؟
5. آیا مواد و منابع آموزشی درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان مطلوبیت دارد؟
6. آیا فعالیت‌های یادگیری درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان مطلوبیت دارد؟
7. آیا فضای درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان مطلوبیت دارد؟
8. آیا زمان درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان مطلوبیت دارد؟
9. آیا ارزشیابی درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان مطلوبیت دارد؟

روش تحقیق

این پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری شامل تمامی معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهر مسجدسلیمان در سال تحصیلی 96-97 بود. به استناد آمار آموزش و پرورش تعداد دانش‌آموزان 6450 نفر و تعداد آموزگاران بالغ بر 685 نفر بود. با استفاده از جدول جرسی و مورگان نمونه‌ای با حجم 363 دانش‌آموز و 246 آموزگار با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شد. در نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای افراد جامعه با توجه به سلسله مراتب (از واحدهای بزرگ‌تر به کوچک‌تر) از انواع واحدهای جامعه انتخاب می‌شوند (سرمد، بازرگان و حجازی، 1392). برای انتخاب نمونه دانش‌آموزان، ابتدا 20 مدرسه به‌طور تصادفی از 403 مدرسه انتخاب شد؛ سپس از هر مدرسه 3 کلاس درس به‌طور تصادفی انتخاب گردید. با توجه به این که پیش‌بینی می‌شد تعدادی از پرسش‌نامه‌ها کامل تکمیل نشوند و یا ناخوانا باشند 400 دانش‌آموز از این کلاس‌ها به‌طور تصادفی انتخاب و توجیه شدند و پرسش‌نامه در اختیار آنان قرار گرفت. در پایان تعداد 363 پرسش‌نامه بدون خط‌خوردگی و قابل استفاده به دست آمد. برای انتخاب آموزگاران هم ابتدا 60 مدرسه از 403 مدرسه، تصادفی انتخاب شد. سپس از هر مدرسه 5 آموزگار تصادفی انتخاب گردید. با توجه به این که تعداد آموزگاران هر مدرسه تابعی از تعداد کلاس و تعداد دانش‌آموزان بود و این نسبت‌ها متفاوت بود، سعی شد تعداد کلاس‌ها و در نتیجه معلمان بیشتری به‌طور تصادفی انتخاب گردد که در پایان 250 پرسش‌نامه به دست آمد.

اطلاعات جمعیت شناختی نمونه

برابر اطلاعات دموگرافیک، 60/6 درصد از پاسخ‌دهندگان زن و 39/4 درصد از آنان مرد بودند. 7/7 درصد دارای تحصیلات فوق‌دیپلم (کم‌ترین تعداد)، 85/4 درصد دارای تحصیلات لیسانس (بیشترین تعداد) و 6/9 درصد دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر بودند. همچنین 52/3 درصد از دانش‌آموزان دختر و 47/7 درصد پسر بودند. جدول 1 اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه را نشان می‌دهد.

جدول 1- اطلاعات جمعیت شناختی نمونه (آموزگاران و دانش‌آموزان)

درصد	فراوانی		
60/6	149	زن	جنسیت (آموزگاران)
39/4	97	مرد	
52/3	190	دختر	جنسیت (دانش‌آموزان)
47/7	173	پسر	
7/7	19	فوق‌دیپلم	مدرک تحصیلی
85/4	210	لیسانس	
6/9	17	فوق‌لیسانس و بالاتر	

روش و ابزار گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی (توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه) بود و از پرسش‌نامه استاندارد شده خسروی و همکاران (1393) با ضریب پایایی $\alpha = 0/91$ برای معلمان و $\alpha = 0/95$ برای دانش‌آموزان استفاده شد. این پرسش‌نامه با تغییرات جزئی برای دو گروه معلمان و دانش‌آموزان بازنویسی و بومی‌سازی شد. در پرسش‌نامه یادشده، عناصر برنامه درسی در نه طبقه کلی «اهداف، مواد آموزشی، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، شیوه‌های تدریس، ارزشیابی، گروه‌بندی، زمان و فضا» مشتمل بر 32 سؤال و در طیف لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد طراحی شده و نمره‌گذاری آن بر همین اساس از 1 تا 5 است.

در زمینه اعتباربخشی، پس از تصحیح چارچوب اولیه ابزار اندازه‌گیری توسط پنج نفر از متخصصان حوزه برنامه‌ریزی درسی و علوم تربیتی، گروه مرجع، اعتبار و جامعیت پرسش‌نامه را مورد ارزیابی و داوری قرار دادند تا بر اساس نظرهای آنها، تعدیل‌های ضروری انجام پذیرد. بدین ترتیب با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ، ضریب پایایی برای معلمان $\alpha = 0/876$ و برای دانش‌آموزان $\alpha = 0/764$ که بیانگر اعتبار و پایایی خوب ابزار است، به دست آمد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، از روش‌های آمار توصیفی مانند جدول فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمره و آمار استنباطی مثل آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن

توزیع داده‌ها، آزمون t تک نمونه‌ای جهت بررسی سؤالات و نرم‌افزار SPSS نسخه 23 در سطح معنی‌داری 0/05 استفاده شد. جدول 2 شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول 2 - شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

تعداد n	حداکثر max	حداقل Min	انحراف معیار SD	میانگین (M)	نمونه	شاخص متغیر
246	3/55	2/17	0/223	2/90	معلمان	نمره کلی آسیب‌شناسی درس هنر
363	3/45	2/10	0/25	2/84	دانش‌آموزان	
246	4/50	1/75	0/56	3/20	معلمان	مطلوبیت اهداف از پیش تعیین شده
363	4/50	1/75	0/55	3/23	دانش‌آموزان	
246	4/50	1/50	0/47	2/86	معلمان	مطلوبیت محتوای درس هنر
363	4/57	2	0/48	3/27	دانش‌آموزان	
246	4/50	1/25	0/60	2/51	معلمان	مطلوبیت راهبردهای یاددهی - یادگیری
363	4/50	1/25	0/63	2/38	دانش‌آموزان	
246	4/50	1/50	0/57	3/14	معلمان	مطلوبیت گروه‌بندی درس هنر
363	4	1/17	0/49	2/67	دانش‌آموزان	
246	4	1/67	0/52	2/77	معلمان	مطلوبیت مواد و منابع آموزشی
363	5	1/67	0/57	3/32	دانش‌آموزان	
246	4/25	2	0/45	2/94	معلمان	مطلوبیت فعالیت‌های یادگیری
363	4/25	2	0/44	3/04	دانش‌آموزان	
246	4/50	1	0/81	2/60	معلمان	مطلوبیت فضای درس هنر
363	4	1/67	0/50	2/56	دانش‌آموزان	
246	4	1/67	0/50	2/57	معلمان	مطلوبیت زمان درس هنر
363	4/50	1	0/78	2/64	دانش‌آموزان	
246	4/33	1/33	0/62	3/11	معلمان	مطلوبیت ارزشیابی درس هنر
363	4/33	1/33	0/56	2/79	دانش‌آموزان	

نتایج جدول 2 نشان می‌دهد که از دیدگاه معلمان بیشترین میانگین مربوط به متغیر دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده با میانگین 3/20 و انحراف معیار 0/56 و کم‌ترین میانگین مربوط به متغیر مطلوبیت راهبردهای یاددهی - یادگیری با میانگین 2/51 و انحراف معیار 0/60 است. از دیدگاه دانش‌آموزان

بیشترین میانگین مربوط به متغیر مطلوبیت مواد و منابع آموزشی با میانگین $3/23$ و انحراف معیار $0/57$ و کم‌ترین میانگین مربوط به متغیر مطلوبیت راهبردهای یاددهی-یادگیری با میانگین $2/38$ و انحراف معیار $0/63$ است.

یافته‌ها

جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های تحقیق از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. نتایج نرمال بودن متغیرها نشان داد که سطح معناداری برای همه متغیرها بالاتر از $p > 0/05$ است و لذا توزیع نرمال و استفاده از آزمون‌های پارامتریک مجاز است.

برای تحلیل داده‌های حاصل از سؤالات از آزمون t تک نمونه‌ای در سطح $0/05$ استفاده شد. در این پژوهش میانگین نمونه با میانگین مفهومی یا نقطه وسط طیف و میانگین مورد انتظار 5 مقایسه شد. از آماره t در سطح $0/05$ برای معنی‌دار بودن استفاده شد. جدول 3 نتایج تحلیل سؤالات را نشان می‌دهد. بر اساس جدول 3، وضعیت اهداف از پیش تعیین‌شده با میانگین از پنج، $3/20$ و $3/23$ به ترتیب برای معلمان و دانش‌آموزان با میانگین مفهومی 3 و با توجه به مقدار آماره t تک نمونه‌ای $t(246) = 5.74$ و $t(363) = 8.04$ و $p \leq 0.001$ با کران بالا و پایین مثبت از نظر معلمان و دانش‌آموزان معنی‌دار است. لذا باید گفت درس هنر از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان به اهداف از پیش تعیین‌شده این درس نائل می‌شود و در شرایط مطلوب است.

جدول 3 - یافته‌های مربوط به سؤالات تحقیق

دیدگاه		فاصله اطمینان 95٪ جهت اختلاف میانگین و مقدار آزمون		اختلاف میانگین و مقدار آزمون	P - مقدار	درجه آزادی	t آمده	انحراف معیار	میانگین از 5	فراوانی	نمونه	متغیر
دانش آموزان	معلمان	کران بالا	کران پایین									
	مطلوب	0/275	0/134	0/205	0/001	245	5/74	0/56	3/20	246	معلمان	اهداف از پیش تعیین شده
	مطلوب	0/2939	0/1785	0/236	0/001	362	8/04	0/55	3/23	363	دانش آموزان	
	نامطلوب	-0/074	-0/194	-0/134	0/001	245	-4/40	0/47	2/86	246	معلمان	محتوای درس هنر
	مطلوب	0/3254	0/2256	0/275	0/001	362	10/85	0/48	3/27	363	دانش آموزان	
	نامطلوب	-0/414	-0/565	-0/488	0/001	245	-12/77	0/601	2/510	246	معلمان	راهبردهای یاددهی - یادگیری
	نامطلوب	-0/423	-0/548	-0/485	0/001	362	8/04	0/63	2/38	363	دانش آموزان	
	مطلوب	0/218	0/0744	0/146	0/001	245	4/007	0/57	3/14	246	معلمان	گروه‌بندی
	نامطلوب	-0/278	-0/379	-0/328	0/001	362	-12/76	0/49	2/67	363	دانش آموزان	
	نامطلوب	-0/157	-0/289	-0/223	0/001	245	-6/66	0/52	2/77	246	معلمان	مواد و منابع آموزشی
	مطلوب	0/387	0/268	0/327	0/001	362	10/89	0/57	3/32	363	دانش آموزان	
	نامطلوب	-0/002	-0/115	-0/058	0/041	245	-2/05	0/45	2/94	246	معلمان	فعالیت‌های یادگیری
	متوسط	0/089	-0/002	0/043	0/066	362	1/84	0/44	3/04	363	دانش آموزان	
	نامطلوب	-0/359	-0/486	-0/422	0/001	245	-13/10	0/505	2/57	246	معلمان	فضای درس هنر
	نامطلوب	-0/387	-0/492	0/439	0/001	362	-16/49	0/508	2/56	363	دانش آموزان	
	نامطلوب	-0/290	-0/494	-0/392	0/001	245	-7/59	0/81	2/60	246	معلمان	زمان درس هنر
	نامطلوب	-0/277	-0/439	-0/358	0/001	362	-8/69	0/78	2/64	363	دانش آموزان	
	مطلوب	0/197	0/040	0/119	0/003	245	2/987	0/62	3/11	246	معلمان	ارزشیابی درس هنر
	نامطلوب	-0/150	-0/267	-0/209	0/001	362	-7/03	0/56	2/79	363	دانش آموزان	

میانگین مفهومی یا نقطه طیف وسط طیف پرسش‌نامه (3)

در پاسخ به سؤالات 3، 7 و 8 (راهبردهای یاددهی-یادگیری، فضای درس هنر و زمان درس هنر) با میانگین از پنج، 2/510، 2/57 و 2/60 به ترتیب برای سه متغیر فوق از دید معلمان این درس با میانگین مفهومی 3 و با توجه به مقدار آماره (t تک نمونه‌ای) $t(246) = -12.77$ و $t(246) = -13.10$ و $t(246) = -7.59$ و $p \leq 0.001$ به ترتیب برای سه متغیر ذکر شده با کران بالا و پایین منفی، نشان‌دهنده این است که درس هنر از نظر معلمان در این سه شاخص از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. همچنین در نمونه دانش‌آموزان در این سه متغیر با میانگین از پنج به ترتیب، 2/38، 2/64/56، 2/2 و میانگین مفهومی 3 مقدار آماره (t تک نمونه‌ای) $t(363) = 8.04$ و $t(363) = -16.49$ و $t(363) = -8.69$ و $p \leq 0.001$ با کران بالا و پایین منفی نیز نشان داد که از نظر دانش‌آموزان در این سه متغیر، درس هنر شرایط مطلوبی ندارد. در پاسخ به سؤالات 2 و 5 بر اساس جدول 3 (محتوای درس هنر، مواد و منابع آموزشی) میانگین نمونه در هر دو سؤال در گروه دانش‌آموزان، با میانگین از پنج به ترتیب برابر 3/27 و 3/32 و میانگین مفهومی 3 مقدار آماره (t تک نمونه‌ای) $t(363) = 10.85$ و $t(363) = 10.89$ و $p \leq 0.001$ با کران بالای مثبت نشان‌دهنده این است که محتوای درس هنر، مواد و منابع آموزشی از دید دانش‌آموزان از شرایط مطلوب برخوردار است؛ در حالی که از نظر معلمان، میانگین نمونه 2/86 و 2/77 از 5 به ترتیب برای این دو متغیر و میانگین مفهومی 3 مقدار آماره (t تک نمونه‌ای) $t(246) = -4.40$ و $t(246) = -6.66$ و $p \leq 0.001$ از دید معلمان در این دو متغیر درس هنر از شرایط مطلوبی برخوردار نیست.

بر اساس نتایج سؤالات 4 و 9 از جدول 3 (گروه‌بندی و ارزشیابی درس هنر) میانگین نمونه در هر دو سؤال در گروه معلمان 3/14 و 3/11 از 5 به ترتیب برای دو متغیر فوق و میانگین مفهومی 3 و مقدار آماره (t تک نمونه‌ای) $t(246) = 2.985$ و $t(246) = 4.007$ و $p \leq 0.001$ با کران بالای مثبت نشان‌دهنده این است که گروه‌بندی و ارزشیابی درس هنر از دید معلمان از شرایط مطلوب برخوردار است. در حالی که از نظر دانش‌آموزان میانگین این دو متغیر 2/67 و 2/79 از 5 و میانگین مفهومی 3 مقدار آماره (t تک نمونه‌ای) $t(363) = -12.76$ و $t(363) = -7.03$ و $p \leq 0.003$ ، نشان‌دهنده این است که از دید دانش‌آموزان این دو متغیر در وضعیت مطلوبی نیستند.

در متغیر فعالیت‌های یادگیری از جدول 3 میانگین نمونه در گروه معلمان (2/94) از 5 و میانگین مفهومی 3 و مقدار آماره (t تک نمونه‌ای) $t(246) = -2.05$ و $p \leq 0.004$ با کران بالا و پایین منفی نشان‌دهنده عدم مطلوبیت از دید معلمان است؛ در حالی که در این متغیر میانگین نمونه در گروه دانش‌آموزان (3/04) از

5 و میانگین مفهومی 3 مقدار آماره $t(363) = 1.84$ و $p \leq 0.05$ با کران پایین منفی و کران بالا مثبت از نظر دانش آموزان در سطح متوسط است.

بحث و نتیجه‌گیری

آموزش هنر یکی از کارکردهای اساسی و مهم نظام آموزشی است. سیاست‌گذاران تعلیم و تربیت در جهان امروز به اهمیت درس هنر آگاهند و درصدد بهره‌گیری از این درس برای آموزش مهارت‌های هنری و لذت‌بخش نمودن فرایند یاددهی-یادگیری هستند. لذا توجه به تربیت، ابعاد هنری دانش‌آموران را در صدر برنامه‌های خود دارند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که اهداف از پیش تعیین‌شده درس هنر از نظر معلمان و دانش‌آموزان مطلوب است. این یافته با نتایج تحقیقات محققینی همچون تاسدمیر (2015)، هودسون و همکاران (2017)، و همچنین با نتایج تحقیقات یاسمی، خمیس‌آبادی و کیان (1393) که نشان دادند اهداف برنامه درسی هنر دوره ابتدایی با اهداف کلی سند برنامه درسی انطباق داشته، همخوانی دارد. اما با نتایج به دست آمده از تحقیق رحیمی و احمدیان (1396) که نشان داد میزان تحقق اهداف برنامه درسی هنر از نظر معلمان مقاطع ابتدایی در سه حیطه دانش، نگرش و مهارت در حد متوسط بود، همخوانی ندارد. عدم امکانات لازم، نگاه سنتی و محدود به فعالیت‌ها و برنامه‌های درس هنر می‌تواند از جمله عواملی باشد که نوع نگرش به درس هنر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین در سؤال دوم نتایج حاکی از آن بود که از نظر دانش‌آموزان محتوا و مواد آموزشی درس هنر از مطلوبیت برخوردار بوده، در حالی که از نظر معلمان تا رسیدن به جایگاه مطلوب در بعد محتوا و مواد آموزشی فاصله زیادی وجود دارد. نتیجه حاصل از نگاه معلمان با تحقیقات زیادی مانند دیکابا (2012) که نشان داد حوزه‌های محتوایی مختلف (نقد هنری، تاریخ هنری، زیبایی‌شناسی و تولید هنری) اغلب به‌طور متغیر و انعطاف‌پذیری در سرتاسر کتاب‌های درسی هنر نیامده است، یافته‌های مطالعه دونینگ (2015) که نشان می‌دهد توجه ملی به موضوعات درسی اصلی موجب شده موضوعات خارج از برنامه درسی هسته‌ای، نادیده گرفته شوند، و نتایج تحقیق زمانی دارانی (1395) که نشان داد محتوای نامناسب کتاب درسی از مهم‌ترین مشکلات درس هنر در مدارس بوده است، همخوانی دارد. علاوه بر این نتایج، تحقیق رضایان کوچی و رضایی (1396) که نشان داد در هیچ یک از کتاب‌های راهنمای معلم و ضمیمه‌ها در درس هنر، تعادل مناسبی در توزیع فعالیت‌ها برای سبک‌های مختلف یادگیری وجود ندارد و این عناصر کاملاً نادیده گرفته شده‌اند و نتایج تحقیق قنبری، رحیمی شهواری و چمن‌نژاد (1395) که نشان داد در محتوای

برنامه درسی هنر و در برنامه درسی هنر پایه‌های اول تا سوم مقطع ابتدایی به برخی مؤلفه‌های زیباشناسی توجه نگردیده است، همخوانی وجود دارد. عدم رضایت معلمان درس هنر از محتوای ارائه شده نشان از نگاه حداقلی حوزه‌های ستادی به موضوعاتی مثل درس هنر در تدوین و تألیف محتوا دارد که از نظر معلمان که به تدریس این موضوع در مدارس مشغولند، کمتر استفاده می‌شود. نگاه ایده آل معلمان این درس که بهتر از هرکسی می‌دانند استفاده از فعالیت‌های هنری تأثیر قابل ملاحظه‌ای در کنترل ناهنجاری‌های اجتماعی دانش آموزان خواهد داشت، می‌تواند بخشی از واقعیت‌های موجود باشد.

انفاق نظر دانش آموزان و معلمان در نامناسب بودن راهبردهای یاددهی - یادگیری از نتایج سؤال سوم این پژوهش با تحقیقات محققینی همچون لیو (2013) آلترو و همکاران (2016) دیویس (2010) زمانی دارانی (1395) همخوان است. مسائلی نظیر عدم وجود تخصص و مهارت لازم در آموزش هنر، واگذاری تدریس هنر به دیران غیر تخصصی، محتوای نامناسب کتاب درسی، کم‌اهمیت شمردن درس هنر و اختصاص ساعت کلاس به دروس دیگر، کمبود وقت در تدریس و تمرین، کمبود بودجه، ناآگاهی والدین از اهمیت هنر و نیز سردرگمی دانش آموزان در شناخت حوزه مورد علاقه خود می‌تواند از جمله عوامل این مسأله باشد. معلمان در تدریس برنامه درسی هنر نتوانسته‌اند از پتانسیل محتوایی این درس برای آموزش بهره‌مند شوند و بی‌اهمیت بودن برنامه درسی هنر بین سایر دروس در تدریس عملی معلمان به دلیل مسائلی نظیر ضعف تخصص در آموزش هنر، کمبود وقت، کمبود بودجه، ناآگاهی والدین از اهمیت درس هنر عموماً مسائلی هستند که زمینه‌ساز بی‌توجهی به درس هنر در مدارس شده است. در موضوع گروه‌بندی درس هنر از سؤال چهارم، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که معلمان نظر مطلوبی به این موضوع دارند و این نتیجه با نتایج تحقیقات محققینی همچون تاسدمیر (2015)، دیویس (2010) و زمانی دارانی (1395) که نشان دادند مسائلی نظیر عدم وجود تخصص و مهارت لازم در آموزش هنر، از مهم‌ترین مشکلات درس هنر در مدارس بوده است؛ سنجابی و خرم‌آبادی (1394) که از مهم‌ترین عوامل بی‌توجهی معلمان به درس هنر در مقطع ابتدایی را عدم شناخت اهداف درس هنر در این مقطع و نداشتن آگاهی و علاقه لازم جهت تدریس درس هنر می‌دانند، همخوان است. نتایج یافته‌های سؤال پنجم (مواد و منابع آموزشی درس هنر) در تحقیق حاضر نشان داد که معلمان مواد و منابع آموزشی را برای تدریس درس هنر مطلوب و قابل قبول نمی‌دانند که این با نتایج تحقیقات محققینی همچون لودرمیک (2002)، آلترو و همکاران (2016)، آیین (2012)، رضاییان کوچی و رضایی (1396) که نشان دادند در هیچ‌یک از کتاب‌های راهنمای معلم و ضمیمه‌ها در درس هنر، تعادل مناسبی در توزیع فعالیت‌ها

برای سبک‌های مختلف یادگیری وجود ندارد، همخوانی دارد. علت بخش عمده‌ای از گله‌مندی و دغدغه معلمان عدم اهتمام به تولید وسایل و مواد چاپی و غیرچاپی به روز در درس هنر با تأکید بر دوره ابتدایی است. آنچه هم که تولید شده با وجود آن که دانش‌آموزان به حداقل‌ها راضی هستند، با انتظارات و توقعات معلمان این درس که از ظرفیت‌ها و پتانسیل این درس بیش از همه آگاهی دارند، هماهنگ نیست. این امیدواری وجود دارد که با تشکیل کارگروه‌های ویژه در همه دروس در دفتر کتب تألیف بتوان هم به منابع و محتوای به‌روز و علمی دست یافت و هم از نظرهای حرفه‌ای معلمان در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در آینده استفاده کرد.

نتایج حاصل از بررسی نظرات معلمان در زمینه مطلوبیت فعالیت‌های یادگیری درس هنر در سؤال ششم از پژوهش حاضر نشان داد که معلمان این درس مجموعه فعالیت‌های کمی و کیفی در برنامه رسمی و فعالیت‌های خارج از مدرسه را نامطلوب و کافی نمی‌دانند که این نتیجه با پژوهش‌های محققینی همچون ایوای (2013)، دیکا با (2012)، رضاییان کوچی و رضایی (1396) که نشان دادند در هیچ‌یک از کتاب‌های راهنمای معلم و ضمیمه‌ها در درس هنر، تعادل مناسبی در توزیع فعالیت‌ها برای سبک‌های مختلف یادگیری وجود ندارد و همچنین فعالیت در خصوص گرایش‌های فرهنگی در تمام فصل‌های کتاب گنجانده نشده و به این مهم کمتر توجه شده است، همخوانی دارد. تحقیقات زیاد دیگری وجود دارد که با این نتیجه همخوان است و این نشان از عدم توجه به وجود فعالیت‌های متنوعی که برای دانش‌آموزان شوق و انگیزه بیشتری در این زمینه ایجاد نماید، دارد. از جمله تحقیقات ذوالفقاریان و کیان (1393) که نشان دادند در تدریس برنامه درسی هنر نتوانسته‌اند از پتانسیل محتوایی این درس برای آموزش بهره‌مند شوند و بی‌اهمیت بودن برنامه درسی هنر بین سایر دروس در تدریس عملی معلمان تأثیرگذار است، همسو و هماهنگ است. بنابراین لزوم توجه جدی به مقوله فعالیت‌های یادگیری که دانش‌آموزان هم در این تحقیق آنها را نامناسب و ناکافی می‌دانند، از ضروریات است.

نتایج تحقیق حاضر از سؤال هفتم در هر دو گروه معلمان و دانش‌آموزان در خصوص فضای درس هنر نشان داد که از این حیث فضای مناسبی برای انجام حداقل فعالیت‌های هنری در مدارس موجود نیست که این نتیجه با یافته‌های عباسی، طباطبایی و مرتهب (1394) که نشان دادند فقدان امکانات، عدم آگاهی مدیران مدارس از نقش هنر، بی‌توجهی برنامه‌ریزان درسی و مسؤولین از مشکلات این درس است، همسو است. همچنین با بخشی از نتایج تحقیق دونینگ (2015) که نشان داد توجه ملی به موضوعات درسی اصلی موجب شده موضوعات خارج از برنامه درسی، نادیده گرفته شوند و این که

فشار وجود جداول عملکردی برای مدرسه موجب تحمیل فشار بر درس هنر می‌شود و معلمان شرکت‌کننده در مطالعه، خواهان آموزش مطلوب هنر برای کودکان بودند و نیاز به پشتیبانی در تداوم آن را خواستار شدند، همخوانی دارد. از آنجایی که پیش‌بینی دروس مختلف در برنامه درسی دوره ابتدایی فلسفه و مبانی خاص خود را دارد و بعضی از این دروس چنانچه در دوران اولیه تحصیل مورد توجه واقع نشوند، نمی‌توان به استعداد و توان دانش‌آموزان در آن زمینه پی برد، اختصاص فضای فیزیکی مناسب، منظم و مجهز و تمهید ابزارها و امکانات مناسب برای انجام فعالیت‌های هنری از اولویت‌ها در این زمینه خواهد بود.

عدم زمان کافی و بی‌توجهی در چینی‌دروس هنر در بین سایر دروس و اختصاص زمان‌های نامناسب به برنامه درس هنر در برنامه هفتگی از نتایج تحقیق حاضر در سؤال هشتم بود که با یافته‌های محققینی همچون تاسلمیر (2015)، ایوای (2013)، آلتز و همکاران (2016)، حیدرزادگان، سویزی و افشاری (1392) و تحقیق زمانی دارانی (1395) که نشان دادند مسائلی نظیر کم‌اهمیت شمردن درس هنر و اختصاص ساعت کلاس به دروس دیگر، کمبود وقت در تدریس و تمرین، کمبود بودجه، ناآگاهی والدین از اهمیت هنر و نیز سردرگمی دانش‌آموزان در شناخت حوزه موردعلاقه خود از مهم‌ترین مشکلات درس هنر در مدارس بوده است، همسو است. بخشی از مشکلات این درس و محدودیت‌هایی که باعث می‌شود نتوان به حداقلی از ایده‌آل‌ها دست یافت، به نگاه و نگرش سایر معلمان و مدیریت مدرسه بستگی دارد. چنانچه دانش و اطلاعات مدیران و سایر کادر مدرسه در زمینه اهمیت این درس و نقشی که در یادگیری و توسعه دانش و توانش دانش‌آموزان در سایر دروس دارد، به آنان تفهیم شود، می‌تواند گامی در جهت بهبودی و حل مشکلات درس هنر در این خصوص باشد.

تفاوت در نگاه معلمان و دانش‌آموزان به موضوع مهم ارزشیابی درس هنر از نتایج این تحقیق در سؤال نهم که معلمان آن را مطلوب و دانش‌آموزان نامطلوب ارزیابی کرده‌اند، با نتایج یافته‌های محققینی همچون لودرمیک (2002)، آیین (2012)، دیویس (2010)، زمانی دارانی (1395) که مسائلی نظیر واگذاری تدریس هنر به دبیران غیرتخصصی، کم‌اهمیت شمردن درس هنر و اختصاص ساعت کلاس به دروس دیگر و تحقیق ذوالفقاریان و کیان (1393) که تجربه معلمان در تدریس هنر دوره ابتدایی در دو مقوله دستاوردهای مثبت و چالش‌های منفی (ضعف ارج‌گذاری به هنر) را ارزیابی کردند، همخوانی دارد. عدم آگاهی و اطلاع دانش‌آموزان از معیارها و شاخص‌های ارزیابی از سوی دانش‌آموزان از یک طرف و به‌کارگیری برخی از شاخص‌های ذهنی در ارزشیابی و ارزیابی فعالیت‌ها و دستاوردهای

دانش‌آموزان از طرفی دیگر می‌تواند زمینه ایجاد این تفاوت در نگاه معلمان و دانش‌آموزان به مهم‌ترین و راهبردی‌ترین موضوع یعنی ارزشیابی درس هنر از ابعاد مختلف باشد.

بنابراین با توجه به این که معلمان و دانش‌آموزان مخاطبان درس هنر هستند، بهتر است به نقش مشارکتی آنها در تدوین هدف‌های درس هنر بیشتر توجه شود؛ زیرا تصریح هدف‌های از پیش تعیین شده در مرحله تدوین و طراحی، اغلب نوعی الزام به یادگیری جهت‌دار را در فرایند یادگیری دانش‌آموزان ایجاد خواهد کرد. هماهنگی میان عناصر برنامه درسی هنر در مرحله طراحی و تدوین می‌تواند به کاهش چالش‌های زیادی در اجرا کمک نماید. برای مثال تناسب اهداف با روش‌های ارزشیابی و تصمیماتی که درباره فعالیت‌های یاددهی-یادگیری، منابع و مواد آموزشی اتخاذ می‌شود می‌تواند در اثربخشی و کارآمدی برنامه درس هنر در اجرا مؤثر واقع شود. با توجه به یافته‌های پژوهش، مؤلفه‌های محتوا، راهبردهای یاددهی-یادگیری، مواد و منابع آموزشی، فعالیت‌های یادگیری، فضا و زمان از نظر معلمان نامطلوب است. همچنین راهبردهای یاددهی-یادگیری، گروه‌بندی، فضا، زمان و ارزشیابی درس هنر از نظر دانش‌آموزان نامطلوب گزارش شده است. انتخاب این عناصر بایستی بر اساس علایق دانش‌آموزان و مشارکت فراگیر معلمان انجام شود. به دانش‌آموزان باید فرصت بیان علایق در مؤلفه‌های فوق داده شود. رویکرد متمرکز تدوین و طراحی کتاب‌های درسی از سوی آموزش و پرورش باید با انعطاف‌پذیری معقول و منطقی، فضایی را برای اظهار نظر، مشارکت و هم‌آوایی معلمان و دانش‌آموزان ایجاد نماید. این پژوهش در جامعه‌ای محدود انجام شده است، لذا در تعمیم نتایج به دیگر شهرستان‌ها باید احتیاط لازم را مد نظر داشت.

منابع

- افخمی قادی، فائزه و محبوبه عارفی. (1396). بررسی دیدگاه معلمان پایه چهارم ابتدایی درباره استفاده از مؤلفه‌های هنر در محتوای برنامه درسی و تأثیر آن در یادگیری دانش‌آموزان. اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد و حسابداری و علوم انسانی، شیراز: دانشگاه علمی کاربردی شوشتر.
- براتی، حمید و محبوبه سلیمان‌پورعمران. (1394). سواد هنری در برنامه درسی. دومین کنفرانس ملی روان‌شناسی و علوم تربیتی، استان خوزستان: شادگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شادگان.
- حاجی حسینی، غلامرضا. (1388). آموزش هنر در مقطع ابتدایی از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات، ششمین همایش انجمن مطالعات برنامه درسی، شیراز، انجمن مطالعات برنامه درسی، دانشگاه شیراز.

حسینی ده‌میری، سید محمود و علی ترابی زیارتگاهی. (1394). بررسی تأثیر آموزش هنر توسط دبیران متخصص در مقطع ابتدایی. کنفرانس بین‌المللی معماری، شهرسازی، عمران، هنر و محیط‌زیست؛ افق‌های آینده، نگاه به گذشته، تهران: دبیرخانه دائمی کنفرانس

حسینی راد، مریم. (1391). «مشکلات تدریس هنر». تهران: رشد آموزش هنر، دوره نهم، شماره 4، تابستان. حمزه‌لو، زهره؛ محمدحسین یارمحمدیان و نرگس کشتی‌آرای. (1394). چگونگی برنامه درسی اجرا شده هنر دانشگاه فرهنگیان بر اساس ارزشیابی خبرگی آیزنر. کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روان‌شناسی ایران، تهران: مؤسسه برگزارکننده همایش‌های توسعه محور دانش و فناوری سام ایرانیان. حیدرزادگان، علی رضا؛ مجتبی سوزی و غلامحسین افشاری. (1392). ارزشیابی برنامه درسی هنر دوره ابتدایی بر اساس رویکرد تربیت هنری. همایش ملی تغییر برنامه درسی دوره‌های تحصیلی آموزش و پرورش، بیرجند: دانشگاه بیرجند.

خسروی، رحمت‌الله؛ کورش فتحی‌واجارگاه و ملیحه آشتیانی. (1393). «آسیب‌شناسی برنامه درسی مهارت‌های زندگی در نظام آموزش متوسطه نظری». دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های آموزش و یادگیری (دانشور رفتار)، دانشگاه شاهد، سال بیست و یکم، شماره 4، 1-18.

رحیمی، زینب و افشار احمدیان. (1396). بررسی میزان تحقق اهداف برنامه درسی هنر از نظر معلمان مقاطع ابتدایی. سومین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی ایران، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.

رستگاری، نرجس و فائزه ناطقی. (1394). ادغام هنر در برنامه درسی مراکز تربیت معلم، به‌عنوان گامی در جهت تربیت حرفه‌ای مؤثر. کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، ترکیه: استانبول، شرکت مدیران ایده پردازان پایتخت ایلیا.

_____ (1393). ادغام هنر در برنامه درسی مراکز تربیت معلم، به‌عنوان گامی در جهت تربیت

حرفه‌ای مؤثر. کنفرانس بین‌المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی، مؤسسه مدیران ایده‌پرداز پایتخت ویرا. رضاییان کوچی، طیبه و الهه رضایی. (1396). تحلیل محتوای کتاب‌های راهنمای معلم درس هنر مقطع ابتدایی از منظر گرایش‌های فرهنگی و سبک‌های یادگیری. سومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی جامعه‌شناسی علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی. شیراز: مؤسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی.

زمانی دارانی، فاطمه. (1395). بررسی مشکلات و محدودیت‌های درس هنر دوره متوسطه اول از دیدگاه معلمان یک پژوهش کیفی؛ مورد مطالعه شهرستان فریدن. سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران: مؤسسه پژوهشی مدیریت مدبر.

سرمه، زهره؛ عباس بازرگان و الهه حجازی. (1392). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر آگه.

- سنجایی، حاتم و یدالله خرم‌آبادی. (1394). بررسی علل عدم توجه معلمان به درس هنر در مقطع ابتدایی. همایش بین‌المللی روان‌شناسی و فرهنگ زندگی، استانبول: مؤسسه سفیران فرهنگی مبین.
- شرفی، حسن و نادر سلسبیلی. (1389). «اثرگذاری فرصت‌های یادگیری، در تعامل نظریه و عمل برنامه درسی و آموزش هنر». فصل‌نامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات 11 (11).
- شرفی، حسن. (1385). «ارزیابی برنامه درسی هنر دوره ابتدایی (نقاشی، کاردستی و خوشنویسی) از دیدگاه مدیران و دانش‌آموزان در منطقه یک تهران». فصل‌نامه روان‌شناسی تربیتی 2 (4)
- _____ (1387). کارکرد فرصت‌های یادگیری متناسب با جهانی‌شدن و بومی‌گرایی در برنامه درسی و آموزش هنر. هشتمین همایش انجمن مطالعات برنامه درسی، بابلسر: انجمن مطالعات برنامه درسی.
- صفری، اسماعیل و محسن نظرزاده زارع. (1393). «آسیب‌شناسی درس هنر در ابعاد طراحی، اجرا و ارزیابی». فصل‌نامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی 2 (16).
- عباسی، حسین و ابراهیم یعقوب‌زاده. (1393). بررسی تأثیر اجرای مهارت‌های کاردستی و ساخت آن در برنامه درسی هنر در بروز خلاقیت نوآموزان پیش‌دبستانی. کنفرانس بین‌المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی، مؤسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.
- عباسی، پروین؛ مینو طباطبایی و اعظم مرته. (1394). بررسی موانع اجرای درس هنر از دیدگاه معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان. دومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، مشهد: دانشگاه تربت حیدریه.
- فروزان‌فر، فریبا. (1394). بررسی تأثیر برنامه درسی هنر با بهره‌گیری از کاردستی بر خلاقیت کودکان. دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم رفتاری و اجتماعی، تهران: مؤسسه سرآمد همایش کارین.
- قنبری، محسن؛ عصمت رحیمی شهواری و مرتضی چمن‌نژاد. (1395). «تحلیل محتوای برنامه درسی هنر پایه‌های اول تا سوم مقطع دبستان از حیث میزان توجه به مؤلفه‌های زیباشناسی با روش تحلیل محتوا» مجله مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی 13 (2).
- مخبریان، محمد. (1396). اصول طراحی آموزشی درس هنر برای معلمان مقطع ابتدایی. اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روان‌شناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه علمی کاربردی شوشتر.
- منافی، فاطمه و دیگران. (1394). تأثیر روش تدریس قضاوت عملکرد بر میزان یادگیری درس هنر دانش‌آموزان مقطع ابتدایی. سومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، تحقیقات اسلامی سروش مرتضوی، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
- هوشدار، لیلا؛ کاظم گرام و داود تقوایی. (1394). همبستگی بین اشکال ارائه ثانویه و میزان یادگیری مستقل دانش‌آموزان پایه اول ناحیه یک تهران در درس هنر. کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین پژوهشی در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: مؤسسه آموزش عالی نیکان.

یاسمی، صدیقه؛ فاطمه خمیس آبادی و مرجان کیان. (1393). تحلیلی بر جایگاه برنامه درسی هنر مبتنی بر سند برنامه درسی ملی آموزش و پرورش، نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی، مرودشت، شرکت اندیشه‌سازان مبتکر جوان.

Alter, Frances; Hays, Terrence, O'Hara Rebecca (2016). The Challenges of implementing Primary Arts Education: What Our Teachers Say, *Australasian Journal of Early Childhood*, Volume 34, Number 4.

Ayben, Elliot (2012). *The Lessons the Arts Teach, Available at Learning and Arts: Crossing Boundaries Proceedings from an Invitational Meeting for Education, Arts and Youth Funders Held January*, Los Angeles.

Davies, Dan (2010). *Enhancing the role of the arts in primary pre-service teacher education. Bath Spa University*, Newton Park, Bath, Somerset BA29BN, England, UK.

Dichaba, Edwin (2012). *A Thematic Based Art Appreciation Curriculum for Pedagogical Training of Junior Secondary School Teachers in Bostswana*. Unpublished Master's Thesis, Central Connecticut State University.

Downing, Dick (2015). Saving a place for the arts? A survey of the arts in primary schools, *Education Journal*, Issue 72.

Hudson, Peter & Hudson, Sue (2017). Examining Preservice Teachers' Preparedness for Teaching Art. *International Journal of Education & the Arts*, Volume 8, Number 5.

Iwai, Kaori (2013). The Contribution of Arts Education to Children's Lives, Paper presented at Preparedness for Teaching Art, *International Journal of Education & the Arts*, Volume 8 Number 5.

Liu, Hua. (2013). Practical Teaching Research of College Art Design, *Informatics and Management Science I, Lecture Notes in Electrical Engineering*, Volume 204, pp 577-583.

Loudermilk, Michelle. Lynn (2002). *The use of aesthetics in a comprehensive art curriculum*. MA, Marshall University. Huntington, West Virginia.

Taşdemir, Vicdan. (2015). Attitudes of the students of primary education class teaching department to the visual arts education course, Marmara University, Atatürk Faculty of Education, Primary Education Department, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, vol. 2, no. 2, pp. 2572-2576.

Pathology of Art Lessons from the Viewpoint of Masjed Soleiman Teachers and Elementary School Teachers

Khosro Nazari¹, Asad Hejazi², Mohammad Hossein Mohebbi³, Fereshteh Sanaei⁴, Mehdi Ghasemi⁵

Abstract

The present study was conducted with the aim of pathology of art lessons from the viewpoint of teachers and elementary students of Masjed Soleiman. The research method was non-experimental and the statistical population consisted of 6450 students and 685 teachers. The sample size was 363 students and 246 teachers selected by multi-stage random sampling method and Krejcy and Morgan tables. A questionnaire was used to collect data from Khosravi et al. (2012). The results showed:

- A) Variables of the desirability of the lesson of art, the lesson of arts and teaching strategies - Learning both from the point of view of the teachers and from the point of view of the students is in an unfavorable situation.
- B) The utility variables of classifying the arts lessons and assessing the lessons of art were favorable from the teacher's point of view but are not in a favorable situation from the point of view of students.
- C) The variables of the desirability of materials and educational resources, the content of the lesson of arts and learning activities were favorable from the viewpoint of the students, but from the point of view of the teachers are in an unfavorable situation.

Key words: Art lessons, learning activities, Teachers, Students.

-
1. Assistant Professor of Farhangian University, Tehran, Iran, Corresponding Author, nazarikey@gmail.com.
 2. Assistant Professor of Farhangian University, Tehran, Iran
 3. Assistant Professor Azad University Masjed Soleiman Branch, Iran.
 4. Master of Jurisprudence and Principles of Law, Tehran, Iran .
 5. Master of Science in Education, Iran.